



نیوشا مزیدآبادی

«غم‌نومه فریدون» آخرین اثر موسیقایی حسین علیزاده، جندی پیش از سفر وی به خارج از ایران در مراسمی خصوصی اکران شد. در این مراسم که با حضور نویسنده و کارگردان هنری، بازیگران، نوازندگان، خوانندگان و سایر عوامل اثر برگزار شد، هنرمندان دیگری نیز به‌عنوان میهمانان پروژه حضور داشتند. «غم‌نومه فریدون»، اثر پیمان قدیمی که آهنگ‌سازی آن را استاد حسین علیزاده به انجام رسانده است، عنوان کتابی است با همین عنوان که در سال ۹۱ از این نویسنده در پاریس منتشر شد. این کتاب دربردارنده قصه‌ای محاوره و منظوم است که سرگذشت یک آبادی را روایت می‌کند. پیمان قدیمی درباره علت گرایشش به این‌گونه ادبی عنوان می‌کند: «شعر- قصه‌نویسی در سال‌های پس از کودتای مرداد سی‌ودو توسط بزرگانی همچون شاملو، فروغ، بیژن مفید، علی حاتمی و… در ادبیات ایران رواج پیدا می‌کند و عمده دلیل آن نوعی ارتباط شفاهی و بی‌محاق نویسندگان با عامه مردم بوده است. درست زمانی که بسیاری از مردم خواندن نمی‌دانستند!» «غم‌نومه فریدون» نیز ماجرای یک آبادی است که در آن خندیدن قذغن شده و «فریدون» - شخصیت اصلی داستان- به‌واسطه عشقش به لیخندهای هیچا - دختر خنده‌روی آبادی- تلاش می‌کند تا با پایبندی به آرم‌هایش، دیگرار لیخن‌د را به مردم آبادی بازگرداند.

پیمان قدیمی- نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان هنری این اثر- در ابتدای مراسم اکران صوتی «غم‌نومه فریدون» پیرامون شکل‌گیری آن و پیوستن حسین علیزاده به این پروژه گفت: «مدت‌ها پیش تصمیم گرفتم تا «غم‌نومه فریدون» را به صورت کتاب صوتی منتشر کنم و از برخی آثار استاد علیزاده به‌عنوان موسیقی متن نیز در کنار گفتارها بهره بگیرم. ازاین‌رو با ایشان ملاقاتی داشتم و وقتی قصه را برایشان خواندم با پیشنهاد آهنگ‌سازی مستقل روی این پروژه از جانب ایشان مواجه شدم. با این پیشنهاد پروژه «غم‌نومه فریدون» آغاز شد و در ادامه حبیب رضایی به‌عنوان مشاور هنری، نیما دهقانی به‌عنوان کارگردان گفتارها و صبا علیزاده به‌عنوان دستیار آهنگ‌ساز به مجموعه پیوستند. کار روی این پروژه بیش از سه‌سال طول کشید و امیدواریم اردیبهشت‌ماه سال آینده منتشر شود».

در ادامه این مراسم علیزاده با اشاره به همکاری‌اش با پیمان قدیمی در پروژه «غم‌نومه فریدون» گفت: «پیمان قدیمی جوان کم‌سن‌وسالی است که کارش از بسیاری از پیرمردها و افراد باتجربه بهتر است. همان‌طور که خودش هم اشاره کرد، یک روز به دیدن من آمد و گفت که می‌خواهم از شما اجازه بگیرم تا از موسیقی‌های شما به‌عنوان موسیقی متن این قصه استفاده کنیم. اما وقتی نگاهی به قصه انداختم حس می‌را از من زدید که باوجود آنکه من متغله فراوانی داشتم، پذیرفتم تا روی آن کار کنم. این پروژه به دلیل سفرهای

حسین علیزاده در اکران صوتی آخرین اثرش مطرح کرد:

مونسى به نام «غم‌نومه فریدون»



عکس: علّی نطقی زاده

آداب سازگرفتن را فراگیرند. البته این انتقاد به سینمای امروز ایران هم وارد است که متأسفانه جنبه‌های مادی کار بیشتر از جنبه‌های معنوی آن شده است. در مدتی که من با «غم‌نومه فریدون» زندگی کردم، حس می‌کنم تعصب و عشقم نسبت به آن از خود پیمان قدیمی هم بیشتر شد و در طول کار تغییراتی روی آن صورت گرفت که امروز نتیجه نهایی‌اش فقط قصه‌خوانی و موسیقی متن نیست». در پروژه «غم‌نومه فریدون» بازیگران مطرحی ایفای نقش کرده‌اند که این اثر را از این حیث (از سایرین) متمایز می‌کند؛ بزرگانی چون مرتضی احمدی، زاله علو، فاطمه معتمدآریا، آیدا شاملو و بازیگرانی مثل فرهاد اصلانی، سیامک صفری، امیر جعفری، حبیب رضایی، صابر ابر و… . علیزاده درباره تجربه همکاری‌اش با این هنرمندان گفت: «عواملی که رفته‌رفته به پروژه اضافه می‌شدند، به‌طور تصاعدی حس و عشق کار را بالا می‌بردند و البته لطف همه این عزیزان بود که بدون هیچ سؤال و جوابی در شکل‌گیری این اثر شرکت کردند. جالب است که بگویم یکی از اتفاقات مهم این کار، حضور مرتضی احمدی بود که آخرین بازی‌اش را

من و کارهایی که در دست داشتم مدتی به تعویق افتاد تا خوشبختانه در سال گذشته در یکی از سفرها، خلوتی پیدا کردم و موسیقی آن را نوشتم. «غم‌نومه فریدون» برای من فقط یک پروژه موسیقایی نیست، بلکه این اثر از جنبه نمایشی، سینمایی و ادبی نیز حائزاهمیت است. من با این اثر زندگی کرده‌ام». این آهنگ‌ساز در ادامه با انتقاد از جریان هنری امروز ایران گفت:«همه دوستان سینمایی از هنرمند من که در این جلسه حضور دارند، می‌دانند که یک اثر هنری زمانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که عوامل آن به آن عشق بورزند، نه مثل اکثر فیلم‌های این دوران که مدام و هم‌زمان بازیگران از یک لوکیشن این فیلم به لوکیشن فیلمی دیگر می‌روند».

او در ادامه به تجربه همکاری‌اش با علی حاتمی اشاره کرد و افزود: «وقتی قرار شد علی حاتمی فیلم «دلشدگان» را بسازد، با امکانات آن دوران سعی کرد ساز را در دست بازیگرانی قرار دهد که به‌عنوان نوازنده در فیلم ایفای نقش می‌کردند. اما من شرط کردم در صورتی این بازیگران می‌توانند ساز دستشان بگیرند و نقش نوازنده‌ها را بازی کنند که مدتی کلاس بروند و

موسیقی

در این اثر انجام داده است و البته حضور بانو زاله علو که با صدای افسانه‌ای خود در این کار ایفای نقش کرده است. امروز دیگر برای من مهم نیست که این کار منتشر شود یا نه، مهم این است که من مونسى به نام«غم‌نومه فریدون» دارم و هراجی دنیا که باشم آن را گوش می‌کنم و حتی بیشتر از پیمان به این اثر وابستگی دارم». حسین علیزاده که همواره در طول سال‌های فعالیتش کوشش کرده با نسل جوان هنرمندان- به‌خصوص در زمینه موسیقی- همکاری کند، این‌بار در تجربه‌ای متفاوت اثر پیمان قدیمی را آهنگ‌سازی کرده است. نویسنده و کارگردان جوانی که به گمان علیزاده هم‌دوقواره احمد شاملو در این اثر حضور دارد: «نگته مهم این است که اهالی هنر - در هر رشته‌ای- از بزرگانی چون شاملو و… صحبت می‌کنند و با انتقاد از وضعیت هنر امروز ایران، شرایط کنونی را زیر سؤال می‌برند. در صورتی که به عقیده من در هر شرایطی هنر و زندگی جریان دارد و هست. هرچند بسیاری از نمایش‌ها و کنسرت‌های امروز بیشتر به سیرک شباهت دارند اما عده‌ای از جوانان هم هستند که اگر دنیای ما، دنیای بهتری بود به‌مراتب بیشتر از ما کار می‌کردند. پیمان قدیمی نمونه یکی از این جوانان است». حسین علیزاده که در سال‌های اخیر به‌واسطه تورکنسرت‌هایش به شهرهای مختلف ایران سفر کرده، به‌طور مستقیم با پتانسیلی که در نسل جوان وجود دارد آشنا شده و معتقد است: «این‌همه پتانسیلی که در نسل جدید به وجود آمده اصلا در تصور آدم نمی‌گنجد. هرچند موسیقی‌دانان کشور ما برای هر نفسی که می‌کشند باید مجوز خاص آن را بگیرند اما همه این مسائل توانسته برای من تعیین‌کننده و محدودکننده باشد. به عقیده من هنرمندی که رسالت دارد، در راه رسیدن به هدفش با هوش و مقاومت پیش می‌رود تا در نهایت هدف نهایی‌اش را به فعلیت درآورد. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم که یک هنرمند، پشتیبانی مردم را نیز همراه خود دارد. همین تفکر باعث می‌شود تا هروقت از من می‌پرسند از مسئولان چه انتظاری دارید؟ بگویم هیچ انتظاری. تنها انتظارم این است که مانع ما نشوند». آهنگ‌ساز «غم‌نومه فریدون» در انتهای سخنانش گفت: «دوست دارم پیمان قدیمی را به‌عنوان سمبل هنرمندان نسل امروز، به شما معرفی کنم. خوشبختانه امروز که اینجا پیستاده‌ام، ذره‌ای ناامیدی در وجود من نیست و افسوس نمی‌خورم که همه‌چیز به ما و هم‌نسلان ما ختم شد. اتفاقاً پیمان‌های نسل امروز با هوش، ذکاوت و جهان‌بینی وسع‌تری در بطن جامعه ما حضور دارند و به صورت جدی کار می‌کنند، اگر هم چندان در رسانه‌ها مطرح نیستند به دلیل این است که رسانه‌ها بیشتر در اختیار جریان‌ات و کسانی است که صرفاً پول و قدرت مادی تعریف‌کننده آنهاست. من به‌جرات می‌توانم بگویم روزی که پیمان «غم‌نومه فریدون» را برایم خواند، او را کشف کردم».

پروژه «غم‌نومه فریدون» که آوازهای آن را محمد معتمدی، پوریا اخواص و داریوش کاظمی اجرا کرده‌اند، توسط بامداد افشار طراحی صدا شده است. این پروژه سال آینده در فازها و مدیوم‌های مختلف منتشر خواهد شد که از چگونگی آن هنوز اطلاعاتی در دست نیست.

نصیب شود، دلم می‌خواهد بیشتر رشد کنم و بیشتر وسعت پیدا کنم.

ما می‌گویید دلتان نمی‌خواسته این سال برای «جرم» جایزه بگیرید. پس برای کدام فیلم دلتان سیمرغ خواسته؟

هیچ‌کدام.

ما الان هم منتظر هیچ جایزه‌ای نیستید؟

اصلا.

ما منظوری در این مقطع است؟

دیگر هیچ‌وقت منتظر هیچ چیز نیستیم. فقط دلم می‌خواهد تلاش کنم

هنرمند و بازیگر بهتری شوم.

ما پس تنها سودائیان این است که هنرمند بهتری باشید!

به نظر شما این زیاد نیست؟ این عالی نیست؟ این سودای خالصی نیست؟ این دیگر اصلا سودا نیست. این یک خواوش غنی‌شده است. من دلم می‌خواست مثل داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی و ناصر تقوایی بودم. دلم می‌خواست مثل یکی از این بزرگان بودم. دلم می‌خواست مثل خسرو شکیبایی بودم. یا مثل بازیگران بزرگ جهان؛ مثلا آل‌پاچینو بودم. دلم می‌خواست خیلی شکسپیر و ادبیات را می‌شناختم. دلم می‌خواست بر جهان بازیگری و بر زیبایی‌شناسی عالم تأثیر زیادی می‌گذاشتم. دلم می‌خواست به‌جای کوروساوا، من کارگردان فیلم «آشوب» بودم. یا «هفت ساموایی» را من می‌ساختم. دلم می‌خواست مثل چارلی چاپلین بودم. ولی گویی شهامت رنجی را که آنها برده‌اند نداشت‌ام و خب قاعدا کجی را که آنها بردند، هم من نمی‌برم. به همان میزان کج به نصیب می‌بری که شهامت رنج‌بردن داری. به همان میزان توفیق نصیبت می‌شود که خطر کنی و در دش بروی. چون تمام توفیق‌ها در پس ترس و آن سوی ترس است.

ما و خود شما در بازیگری ریسک نکردید؟

چرا ولی تعبیر غلطی از آن شد. از سوی کسانی که هیچ دانش و سوادِی درباره بازیگری نداشتند و برخی از منتقد‌های دروغین نشستند و بدگویی کردند. خودم اما می‌دانم چه کرده‌ام.

ما ولی به آینده عمر هنری خودتان امیدوارید؟

راستش را بخواهید دیگر به این شک دارم!

ما پس درحال حاضر به چی اطمینان دارید؟

به خداوند متعال. به زندگی. به محبت. به ام‌ام رضا (ع)، به مادر، به روح پدر، به عشق اعتماد دارم. به درختانی که هنوز قطع نشده‌اند و ممکن است قطع شوند. اعتماد دارم. به دو، سه پرند باقی‌مانده در این شهر کثیف که دارند دود گازوئیل و بنزین می‌خورند- و هنوز زنده‌اند- ایمان دارم. به عشق ایمان دارم. به مهربانی ایمان دارم. به اشعار حافظ ایمان دارم و به اشعار مولانا... به دست‌های زحمت‌کشیده یک‌کارگر حلال‌خور باشرף اعتماد و اطمینان دارم.

پارتیتور

مسترکلاس‌های پیانو انوشیروان روحانی



مرجان صابنی

این کلاس‌ها حدود یک‌سال‌ونیم است که در شهرهایی نظیر: شیراز، اصفهان، مشهد و رشت برگزار می‌شود و به‌زودی در شهرهای دیگر نیز برگزار خواهد شد و تاکنون سه دوره در شهرهای مذکور با استقبال طیف وسیعی از هنرجویان و معلمان برگزار شده است و دوره چهارم نیز از اردیبهشت ۱۳۹۵ شروع خواهد شد. روحانی همواره در طول فعالیت‌های هنری خود دغدغه آموزش داشته که ازجمله آنها می‌توان به حضورش در هنرستان موسیقی (پیش از انقلاب) اشاره کرد و مشخصاً از سه سال پیش به‌صورت فعال، شاگردانی را که در سطوح متوسط و عالی بوده‌اند، تحت‌تعلیم خود قرار داده است. در این مدت، با توجه به اقبال روزافزون به شرکت در این کلاس‌ها، با لحاظ‌کردن گزینش سطح از متقاضیان، این کلاس‌ها بُعد تازه‌ای به خود گرفته است. ادریس ناصری (مدیر روابط عمومی انوشیروان روحانی) در این زمینه گفته است: «این کلاس‌ها صرفاً با هدف آموزش پیانو برگزار خواهد شد؛ ضمن اینکه آقای روحانی در نظر دارند تا این مسترکلاس‌ها به شکل دوره‌ای انجام شود و کسانی که در دوره‌ها حضور دارند، بعد از مدتی بار دیگر بتوانند آموخته‌هایشان را دنبال کنند و تاجایی‌که شرایط فراهم باشد، کلاس‌ها هر دو، سه ماه یک‌بار برگزار شود». او اضافه کرد: «هدف از برگزاری این مسترکلاس‌ها، انتقال اطلاعات و تجارب انوشیروان روحانی به نوازنده‌های پیانونست. درواقع ایشان می‌خواهند ازطریق برگزاری این کلاس‌ها، افراد مستعد در نوازندگی این ساز را، تربیت کنند». همچنین مدیربرنامه روحانی خاطرنشان کرد: «این کلاس‌ها در شهرستان‌ها به‌صورت خصوصی و گروهی انجام می‌شود. هنرجویانی که از کلاس‌ها به شکل خصوصی استفاده می‌کنند، باید در نوازندگی پیانو و تئوری موسیقی در سطحی پیشرفته باشند و هنرجویانی که در کلاس‌های گروهی شرکت می‌کنند، باید دست‌کم سطحی متوسط در نواختن این ساز داشته باشند».



انوشیروان روحانی در مردادماه سال ۱۳۱۸ در رشت به دنیا آمد. او موسیقی را با ساز «ملودیکا» آغاز کرد و در این راه با حمایت‌های پدر و مادر خود، آموختن موسیقی را پی گرفت. در ۹ سالگی در «جامعه باربد» که به سرپرستی شادروان اسماعیل مهرتاش اداره می‌شد، برنامه‌هایی اجرا کرد که مورد تشویق مهرتاش و دیگر اعضای آنجا قرار گرفت. روحانی از شش‌سالگی با راهنمایی‌های پدر، با نت آشنا شد و در همین اوقات وارد هنرستان موسیقی شد. در هنرستان موسیقی از آموزش‌ها و راهنمایی‌های استادان جواد معروفی، روح‌الله خالقی و سایر استادان در هنرستان موسیقی بهره برد. او پس از چند سال، به رادیو راه یافت و در ارکسترهای مختلف برنامه‌هایی اجرا کرد. بیش از ۲۵ سال نداشت که عضو شورای موسیقی رادیو شد و تا آخرین سالی که در آن سازمان فعالیت داشت، عهده‌دار این سمت بود. وی از اولین برنامه «کله‌ها» حضور و همکاری مستمر داشت و بعدها رهبری ارکستر شماره چهار را برعهده گرفت. انوشیروان روحانی در سال‌های اخیر به‌عنوان آهنگساز، با ارکسترهایی در سطح جهان همکاری داشته و این علاقه و گرایش او به موسیقی کلاسیک غرب را هم نشان می‌دهد. روحانی در سال ۱۳۴۶ ساز «ارگ» را به ایران آورد و با این ساز اهرایی در آن زمان و بعد از آن داشته است. او یکی از آهنگ‌سازان پرکار معاصر است که بیش از ۵۰۰ آهنگ ساخته که حدود ۲۵۰ اثر ضبط شده است. اکثر آنها از معروف‌ترین آهنگ‌های زمان خود بوده‌اند که در حافظه شنیداری مردم جای دارند و در این زمینه می‌توان به: «سلطان قلب‌ها» و «تولد مبارک» اشاره کرد.

ربطورفا

نشست «نوآوری‌های ابوالحسن نجفی در عروض فارسی»

شرق: شعر فارسی، در طول تاریخ هزارودویست‌ساله‌اش، به تدریج نزدیک به ۵۰۰ وزن مختلف ساخته و به کار گرفته است. آبا می‌توان این مقدار کثیر را که تعدد آنها در هیچ زبان دیگری در جهان، مانند ندارد، به ضابطه کرد؟ تا زمانی که وزن‌های شعر فارسی تنظیم و طبقه‌بندی نشوند، عروض به مرتبه علم نخواهد رسید. در این راه تاکنون کوشش‌هایی شده و نتایج کم‌وبیش موفقّی نیز به‌دست آمده است. بی‌شک، عروض جدید وامدار زنده‌یاد استاد ابوالحسن نجفی است که با پژوهش‌ها و آثارشان، بزرگ‌ترین خدمت را به عروض فارسی کرده‌اند و به‌تازگی دو کتاب «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» و «اختیارات شاعری» از ایشان به همت انتشارات نیلوفر منتشر شده و دو کتاب دیگر نیز در دست انتشار است. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه ۲۰ بهمن ساعت ۱۶:۳۰ به بررسی نوآوری‌های ابوالحسن نجفی در عروض فارسی اختصاص دارد که با حضور دکتر ضیاء موحّد، دکتر سیروس شمیسا و دکتر امید طبیب‌زاده و جمعی از زبان‌شناسان، صاحب‌نظران و علاقه‌مندان در مرکز فرهنگی شهر کتاب، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم، پلاک ۸ برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

نوانس

به بهانه برگزاری فستیوال بین‌المللی موسیقی معاصر

موسیقی معاصر چیست؟

آیدین ممیمی‌مفخم*

فیلیپ تاگ (۱۹۴۴) پژوهشگر موسیقی انگلستان، موسیقی را به مثلی تشبیه می‌کند که سه گوشه‌اش موسیقی «فولک»، «پاپ» و «موسیقی هنری» هستند. آلفرد اشنیتکه (۱۹۹۸ – ۱۹۳۴)، آهنگ‌ساز روس، موسیقی را به دو دسته تقسیم می‌کند: موسیقی جدی و موسیقی تفننی. موسیقی جدی یا هنری را همچنان موسیقی آکادمیک و موسیقی کلاسیک نیز می‌نامند. موسیقی جدی را باید از لحاظ تاریخی بررسی و برای داشتن درک درستی از آن باید دوره‌های مختلف آن را شناخت. از لحاظ تاریخ آهنگ‌سازی، موسیقی جدی را می‌توان به پنج دوره کلی تقسیم کرد که هرکدام به دوره‌های ریزتری قابل تقسیم هستند؛ دوره باستان (تا قرن ششم)، اولیه (از قرن ششم تا ۱۸)، کلاسیک (از قرن ۱۷ تا ۲۰)، مدرن (نیمه اول قرن بیستم) و معاصر (نیمه دوم قرن بیستم تا به امروز). این تقسیم‌بندی چیزی جدا از تقسیم‌بندی تاریخی است و نحوه بررسی‌اش بیشتر به صورت علمی، تکنیکی و زیبایی‌شناسانه آهنگ‌سازی در قرون مختلف برمی‌گردد.

موضوع بحث ما درباره موسیقی معاصر است که از نیمه دوم قرن بیستم (۱۹۴۵ – پس از مرگ آنتون وبرن) تا به امروز ادامه دارد و شامل جنبش‌های مختلفی ازجمله موسیقی آتوتال، پست‌توتال، سریل و پست‌سریل، موسیقی الکترونیک و کنکرت، مینی‌مال، اسپکترال، چیدمان صوتی، ویدئوآرت، موسیقی تجربی، بداهه‌نوازی آزاد و جنبش‌های بسیار دیگری است که در این فهرست جای برآوردن نام‌هایشان نداریم.

ولی آینا لزوماً هر آهنگ‌سازی یا موسیقی‌دانی را که در این دوره تاریخی زندگی می‌کند می‌توان آهنگ‌ساز معاصر نامید و موسیقی‌اش را موسیقی معاصر به حساب آورد؟ می‌آینا می‌توان هر شکلی از موسیقی که در این دوره تولید می‌شود را موسیقی معاصر نامید؟ قطعاً خیر! به‌کرات دیده‌ایم کسانی که موسیقی اکوستیک یا الکترونیک «غیرجدی» می‌سازند، خود را آهنگ‌ساز معاصر می‌دانند و انتظار دارند به صورت آکادمیک با موسیقی آنها برخورد شود یا کسانی خود را «بداهه‌نواز آزاد» می‌دانند بدون اینکه هیچ دانشی درباره موسیقی مدرن و معاصر و دلیل به‌وجودآمدن این شکل از بداهه‌نوازی و تاریخ و زیبایی‌شناسی‌اش داشته باشند، اما انتظار دارند موسیقی آنان جدی و معاصر محسوب شود!

موسیقی و به‌ویژه موسیقی معاصر و همه جنبش‌هایش را می‌توان با مطالعه دقیق تاریخ و فلسفه هنر و موسیقی شناخت. خوشبختانه درحال‌حاضر کتاب‌های بسیار خوبی به زبان فارسی ترجمه یا نوشته‌شده که تمرکز آنها بر موسیقی مدرن و معاصر است به همین علت می‌توان راحت‌تر از گذشته با این قسمت از تاریخ موسیقی روبه‌رو شد و آن را درک کرد و مرز بین موسیقی جدی و تفننی را شناخت.

ضمن این‌که موسیقی معاصر با توجه به طیف بسیار گسترده زیبایی‌شناسی و رویکردهای مختلف صوتی، می‌تواند هرگونه سلیقه جدی موسیقایی را پوشش دهد. در انتها می‌توان موسیقی جدی معاصر را این‌گونه تعریف کرد: موسیقی‌ای که توسط موسیقی‌دانانی نوشته – خلق می‌شود که به دنبال نوآوری، کشف و خلق دنیای جدید اصوات هستند و در آخر، شنونده را به شنیدن موسیقی‌شان دعوت می‌کنند.

«آهنگ‌ساز و مدرس دانشگاه